

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال سیزدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۸
صفحه ۱۵۳ تا ۱۷۰

نقش فقر در تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مطالعه موردی: استان کردستان

سید علی حق شناس / دانشجوی دکترای علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
s.alihaqshenas@gmail.com

سید علیرضا ازغندی / استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) azqandialireza@gmail.com
مجید توسلی رکن آبادی / دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران tavasoli@gmail.com

چکیده

این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که وضعیت فقر و شرایط معیشت در استان کردستان چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان فقر در استان کردستان طی دهه‌های گذشته افزایش یافته و این امر نارضایتی عمومی را باعث شده است. نتیجه این نارضایتی را می‌توان در احساس تبعیض قومیتی، هویت طلبی، قومی، کاهش مشارکت سیاسی و افزایش اعتراضات عمومی مانند آنچه در اعتصاب بازاریان در این استان شاهد بوده ایم مشاهده کرد. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است با استفاده از آثار کتابخانه‌ای، اسناد موجود و داده‌های آماری بویژه ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در دو دهه گذشته است.

کلیدواژه: فقر، امنیت ملی، تهدیدهای امنیت ملی، ج.ا. ایران، کردستان.

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۱۰ تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۰۵/۲۱

این مقاله برگرفته از رساله دکترای آقای حق شناس می‌باشد.

مقدمه

بالا رفتن فشارها و تنگنایهای اقتصادی، بروز تورم بالا، بیکاری و به تبع آن بالا رفتن فقر در جامعه، هر نظام سیاسی باثباتی را از درون با مشکلات فراوان و به ویژه امنیتی مواجه می‌کند. فقر و ذیل آن معضلاتی مانند بیکاری، شکاف طبقاتی، فساد و تبعیض را باید متغیرهایی در نظر گرفت که تأثیری مستقیم بر امنیت ملی یک کشور دارند. نظرات و مطالعات تجربی فراوانی در تایید این مسئله وجود دارد که عواملی با ماهیت اقتصادی نظیر فقر، نابرابری، بیکاری، فساد و تورم ممکن است موجب شورش و نارضایتی عمومی و اجتماعی شوند و به کاهش ضریب امنیت ملی و تهدید نظام سیاسی کشورها منجر شوند. در این فرایند دشمن نیز عملاً می‌تواند با ناتوان نشان دادن حکومتی که بر منابع فراوان نفت نشسته اما قدرت زدودن آثار فقر را ندارد، باعث تضعیف تصور شهروندان از توان و کارآمدی حکومت شود. هم‌چنین ضعف‌ها و مشکلات اقتصادی ممکن است سبب تضعیف بنیه داخلی کشور و تضعیف امنیت ملی از این طریق شوند. تنها جامعه‌ای مولد، دارای رشد اقتصادی و دور از فقر می‌تواند برای دفاع از خود و استقرار امنیت در سطح اجتماعی و ملی آمادگی لازم را داشته باشد (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

لازمه رسیدن به چنین اهدافی، شناخت، دسته بندی و بررسی عوامل موجد تهدیدهای امنیت ملی می‌باشد. به عبارتی، چنان‌چه نتوانیم به دیدی روشن و جامع از وضعیت موجود و عوامل ایجاد کننده آن دست یابیم، هرگونه برنامه ریزی و عمل برای بهبود شرایط موجود نه تنها نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت بلکه خود، می‌تواند موجب ناکارآمدی و دامن زدن به بحران‌های اجتماعی و تبدیل آن‌ها به تهدیدهای امنیتی شود. وضع موجود با پدیده‌هایی خود را به ما نشان می‌دهد که «فقر» یکی از اصلی‌ترین نمودها و به نظر نویسندگان این مقاله از اصلی‌ترین عوامل بروز تهدیدهای امنیتی درون‌زا در کشور است. مفهوم فقر با پدیده‌هایی هم‌چون نارضایتی‌های عمومی که گاهی تبدیل به تجمعات و راهپیمایی‌هایی در نقاط مختلف کشور می‌شود یا به صورت کلان‌تر در احساس بی‌عدالتی، هویت طلبی قومی، کاهش مشارکت سیاسی و در بعد ذهنی بیگانگی با ارزش‌های حاکم قابل مشاهده است. این تحقیق بدنبال بررسی تأثیر فقر بر محرومیت نسبی و بررسی آثار و پیامدهای آن در استان کردستان می‌باشد.

۲. چارچوب نظری: نظریه محرومیت نسبی

در این پژوهش به بررسی کوتاه و مختصر، به دو مبحث امنیت ملی براساس نظریه محرومیت نسبی پرداخته می‌شود.

محرومیت نسبی که به عنوان اختلاف متصور میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی تعریف می‌شود چنان کلی است که می‌تواند عام‌ترین پیش شرط‌های نارضایتی و اعتراض‌های اجتماعی و حتی انقلاب که در تجزیه و تحلیل‌های نظری دیگر شناخته شده‌اند را در برگیرد. در اینجا برخی از روابط مفهومی با دیگر مفاهیم مورد بررسی قرار می‌گیرند. ادواردز معتقد است تمامی انقلاب‌ها ناشی از «سرکوب خواسته‌های بنیادین» هستند و خشونت هر انقلاب متناسب با میزان سرکوبی است که در حکومت قبل اعمال می‌شود. احساس سرکوبی یا «میل بازداشته شده» زمانی بوجود می‌آید که «مردم بدین احساس برسند که تمایلات و عقاید مشروع شان سرکوب یا به بیراهه کشیده شده و یا امیال و خواسته‌های بجای آنها با مانع روبرو شده است» (Edwards, 1927:33-30).

مفهوم «تنگنا» در نظریه پتی (Pettee) نیز همانند محرومیت نسبی است. مردم هنگامی احساس در تنگنا بودن می‌کنند که به این نتیجه برسند که ارضای نیازهای اصلی آنها یعنی آزادی و امنیت (اقتصادی-سیاسی، فرهنگی و ...) به خطر افتاده باشد و این سرکوبی را غیرضروری و اجتناب ناپذیر و در نتیجه توجیه نشدنی تلقی کنند. اعتراض زمانی به وقوع می‌پیوندد که بیشتر مردم فراتر از تحمل خود احساس در تنگنا بودن کنند (Pettee, 1938:33). برخی از نظریه پردازان نیز از مفاهیم «سرخوردگی» و «محرومیت» برای توضیح انگیزه‌های اعتراضات و خشونت‌های جمعی استفاده می‌کنند. بطور مثال لرنر، شکاف میان خواسته‌های مردم و «آنچه را دارند» عامل سرخوردگی می‌داند و پیامدهای انقلابی آن را مطرح می‌کند. «شیوع سرخوردگی در مناطقی با توسعه آرام تر از آنچه مردمانشان می‌خواهند ممکن است نتیجه عدم تعادل شدید میان دستاوردها و آرزوها تلقی شود. آرزوها و بلندپروازی‌ها از دستاوردها پیشی می‌گیرند تا آن حد که بیشتر مردم حتی اگر پیشرفتی هم به سمت اهداف خود داشته باشند نارضایتی اند چون کمتر از آنچه می‌خواهند بدست می‌آورند». کروزیئر نیز معتقد است مولفه مشترک تمامی شورش‌ها، سرخوردگی است که به عنوان «ناتوانی افراد در انجام کاری که تمایل زیادی به انجام آن دارند و در شرایطی که کنترلی بر آن ندارند» تعریف می‌شود. (لرنر، ۱۳۸۳).

۲-۱ الگوهای محرومیت نسبی

محرومیت نسبی به معنای اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی نیازمند ابزار تحلیلی پویاست تا الگوهای تغییرات حادث در انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی در طی زمان را مورد توجه قرار دهد. برخی معتقدند چون محرومیت نسبی از لحاظ روانی وضعیتی نامطلوب است انسان‌ها مایلند در بلندمدت انتظارات ارزشی خود را مطابق توانایی‌های ارزشی خود بسازند. براین اساس سه الگوی متمایز را می‌توان برای عدم تعادل میان این دو متغیر مشخص ساخت که برحسب نیاز پژوهش و به واسطه تناسب نظری دو الگوی مهم مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۲-۱-۱ محرومیت نزولی

که در آن انتظارات ارزشی یک گروه ثابت باقی می‌ماند اما این تصور وجود دارد که توانایی‌های ارزشی آنها رو به کاهش است. در این حالت فرد تصور می‌کند که متوسط موقعیت یا پتانسیل ارزشی قابل دسترس، به شدت کاهش یافته است. مردم در چنین شرایطی به دلیل از دست دادن آنچه که زمانی داشتند یا فکر می‌کردند می‌توانند داشته باشند خشمگین هستند و با مراجعه به وضعیت گذشته خود احساس محرومیت می‌کنند. وضعیت ارزشی کل یک جامعه ممکن است به دلیل کاهش تولید کالاها، کاهش توانایی‌های نخبگان سیاسی در تامین نظم یا حل بحرانها، تحمیل حاکمیت خارجی یا از دست دادن ایمان به ساختار، باورها و هنجارهای کنشی که به جامعه انسجام می‌بخشند سقوط کند. همچنین افول توانایی‌های ارزشی ممکن است به این دلیل باشد که اعطای یک یا چند بخش از جامعه در تعارض با دیگر گروه‌ها بر سر ارزش‌های کمیاب در وضعیتی نامطلوب قرار می‌گیرند. از جمله مثال‌ها در این زمینه می‌توان به تأثیرات مالیات صعودی بر ثروتمندان و تعیین مالیات کمتر برای فقرا، از میان رفتن نفوذ سیاسی نخبگان و گروه‌های مخالفی که به تازگی از فعالیت سیاسی محروم شدند، احساس افول منزلت و نفوذ گروه‌های طبقه متوسط و نیز کارگر. پتانسیل ارزشی یک گروه خاص ممکن است نه به دلیل کاهش یا توزیع مجدد ارزش‌های قابل دسترس در جامعه بلکه بدلیل کاهش تعداد یا تناسب فرصت‌ها (مثلاً کاهش فرصت‌های شغلی) دچار زوال شود (گر، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۸). در حقیقت هرگونه افول مطلق در موقعیت یا پتانسیل ارزشی یک گروه اجتماعی محرومیت نزولی را بوجود می‌آورد. احتمالاً انسان‌ها هنگامی که داشته‌های خود را از دست می‌دهند بیشتر خشمگین می‌شوند تا مواردی که امید خود را به کسب آنچه هنوز ندارند از دست می‌دهند.

۲-۱-۲ محرومیت ناشی از بلندپروازی

ویژگی مدل محرومیت ناشی از بلندپروازی این است که در آن افزایش انتظارات ارزشی انسان‌ها بدون تغییر ملازمی در موقعیت یا پتانسیل ارزشی آنها است. آنهایی که دچار محرومیت نسبی ناشی از بلندپروازی می‌شوند پیش‌بینی نمی‌کنند که آنچه را دارند به میزان زیادی از دست بدهند و چنین نیز نمی‌شود؛ خشم و نارضایتی آنها به این دلیل است که احساس می‌کنند فاقد ابزارهایی برای نیل به توقعات جدید یا تشدید یافته هستند. "افزایش" انتظارات ارزشی ممکن است حاکی از "تقاضای" میزان بیشتری از ارزش‌هایی باشد که پیش از این تا حدودی موجود بوده است مثلاً تقاضا برای کالاهای مادی بیشتر یا میزان بیشتری از عدالت و نظم سیاسی و یا تقاضا برای دستیابی به موقعیت نخبگان سیاسی. بسیاری از منابع انتظارات ارزشی فزاینده در مطالعاتی که درباره محرومیت نسبی و بی‌ثباتی سیاسی صورت گرفته است شناسایی شدند. فرض بر این است که انتظارات برخی از مردم صرفاً وقتی افزایش پیدا می‌کند که با زندگی بهتر مادی روبرو می‌شوند یا از آن آگاهی پیدا می‌کنند. در اروپای قرون وسطی و اوایل دوره رنسانس رشد مراکز صنعتی و تجاری امکانات جدیدی را برای روستائیان عرضه می‌کرد. شیوه‌های جدید، جمعیت اضافی را به طور خاص و نیز کسانی که از زندگی اربابی راضی نبودند را به خود جلب کرد. با گسترش افق‌های اجتماعی و اقتصادی، سختی، فقر و وابستگی، دیگر سرنوشت گریزناپذیر یک ملت بنظر نمی‌رسید (گر، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۲). یکی از تاثیرات مشخص این امر محرومیت نسبی به معنای محدود آن بود یعنی تعیین انتظارات ارزشی براساس موفقیت‌های ارزشی بالاتر برخی افراد یا گروه‌های دیگر. بطور خاص ممکن است سطح انتظارات تحت تاثیر بهبود وضع دیگر گروه‌ها و در عین حال ثابت ماندن وضعیت گروه خودی افزایش پیدا کند.

۳- تهدیدهای امنیت ملی

در یک معنای عام و براساس نظر «دپتریش فیشر» می‌توان گفت هر نوع رخداد یا فرایندی که متوجه بقا و موجودیت ارگانیک فرهنگی، اعتقادی و هویتی (و نیز بقای رژیم سیاسی، حکومت و یا دولت) باشد، تهدید محسوب می‌شود (کریمی مله، ۱۳۹۰: ۸۸). در واقع برخلاف رویکرد کلاسیک که فقط بر خاستگاه خارجی و ماهیت و صرفاً نظامی تهدیدها تاکید داشت، در برداشت نرم افزاری به عوامل اقتصادی، زیست محیطی، روابط دولت و ملت و نیز توان یک‌پارچه سازی یا ملت‌سازی تاکید می‌شود. (بوزان، ۱۳۸۱: ۳۰۷-۳۰۴) ماهیت تهدید، ماهیتی کاملاً اجتماعی است و با اطمینان می‌توان گفت پدیده تهدید نمی‌

تواند فاقد حلقه‌های اتصال با پدیده‌های اجتماعی باشد. بدین لحاظ ماهیت پدیده‌های ضدامنیتی (تهدیدات) اساساً در پیوند با دیگر عناصر نظام اجتماعی قابل تعریف است. هم‌چنین در بطن تهدیدات امنیتی، ترس و مخاطره وجود دارد که اصولاً یک نظام اجتماعی را به واسطه حضور خود، در جهت اصلاح به تکاپو می‌اندازد. به طور خلاصه باید گفت مرجع امنیت در مکتب کپنهاگ «جامعه» است. (شریف، ۱۳۸۳: ۳۶۳-۳۴۵) هر روندی نیز که تأثیرات نامطلوبی بر الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، کار جمعی، هویت، عادات مذهبی و ملی اثر می‌گذارد، تهدیدات فرهنگی هویتی به شمار می‌آید. یکی دیگر از ویژگی‌های تهدیدهای امنیتی، خصلت خصومت یا عناد آگاهانه و ناآگاهانه در ذهن، عمل یا وضعیت خاص است.

تهدیدات امنیتی را می‌توان مطابق توضیح رابرت ماندل در ۵ حوزه مورد مطالعه قرار داد: -امنیت نظامی: به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر مربوط است.

-امنیت سیاسی: ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد.

-امنیت اجتماعی: به قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است.

-امنیت زیست محیطی: ناظر است بر حفظ محیط جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است.

-امنیت اقتصادی: یعنی دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از توانایی تولید ملی و رفاه. (ماندل، ۱۳۷۷: ۷۷)

این پنج حوزه، جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند و هریک از آن‌ها دارای کانون مهمی در درون مسئله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها بوده و با پیوندهای قوی با یکدیگر متصل هستند. از سوی دیگر، حوزه‌های فوق‌الذکر همواره از سوی عواملی مورد تهدید واقع می‌شوند که در عصر حاضر به طور قابل ملاحظه‌ای متنوع و گسترش یافته‌اند.

۴- فقر و امنیت ملی

واژه تهدید امنیت ملی و فقر تعاریف متعددی دارد. امنیت در سطح ملی به معنای تهدید برای تمامیت ارضی، رفاه اقتصادی و استقلال سیاسی کشور است. اگر این سه عامل مهم مورد تهدید باشد، بدین معناست که امنیت ملی کشور نیز مورد تهدید است. عدم رفاه مادی

و اقتصادی مردم که معمولاً فساد اقتصادی، بیکاری، فقر، تبعیض، بزهکاری و ... پیامدهای آن شمرده می‌شوند، شکاف بین دولت و ملت را افزایش می‌دهد و هرچه این شکاف بیشتر شود، دو عامل دیگر یعنی تمامیت سرزمینی و نیز استقلال سیاسی کشور به خطر خواهد افتاد. هرچه شکاف بین دولت و ملت عمیق تر شود، دشمن بیرونی، به علت ضعف دفاع درونی که عامل مردمی در آن نقش اساسی دارد، ممکن است تمامیت ارضی کشور را به خطر اندازد یا از ناراضیاتی درونی سوء استفاده کند و با بهره‌گیری از ترفندهای گوناگون سیاسی و تحریک عامل مردمی امنیت داخلی را به خطر افکند. (فرجی راد، ۱۳۸۲: ۳۰)

نقش اقتصاد در امنیت ملی، حیاتی است و دلیل آن تأثیرات گسترده آن بر سایر ارزش‌های ملی است. توسعه نیافتگی پایدار و محرومیت از رفاه اقتصادی، روحیه ملی را تضعیف می‌کند و ناآرامی‌های اجتماعی را برمی‌انگیزد و در نتیجه چند دستگی داخلی را شدت می‌بخشد. چنین ضعف داخلی می‌تواند باعث اقدامات خصمانه از جانب دشمنان بالقوه یا بالفعل شود. (آزرمون، ۱۳۷۹: ۳۶۸) به همین دلیل مبحث فقر در حوزه امنیت ملی و تهدیدهای آن دارای اهمیتی بالاست و معمولاً به جز نظریه‌های مارکسیستی به مبحث اقتصادی، توجهی نشان نمی‌دهند. با توجه به اهمیت و تأثیر فقر اقتصادی در بروز سایر انواع فقر و پیامدهای آن، می‌توان فقر را به این ترتیب تعریف کرد: «فقر در جوامع انسانی مترادف است با ناتوانی در برآورده کردن نیازهای اساسی زندگی و مصداق آن وضعیت افراد و خانوارهایی است که از توان و امکان کافی برای تأمین حداقل نیازهای زندگی خود، هم چون غذا، پوشاک، سلامتی و مسکن، برخوردار نیستند. محرومیت از دیگر ضروریات اولیه و متعارف زندگی نظیر آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و ... نیز از موارد مهم موجد فقر است.» (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، به نقل از مدنی: ۴۰) از جمله ضعف‌های اساسی اقتصاد هر کشوری وجود فقر و محرومیت است که می‌تواند امنیت ملی را با تهدید مواجه کند. علت بسیاری از حوادث اجتماعی که در اطراف ما رخ می‌دهد، فقر و بیکاری و محرومیت از رفاه اجتماعی است. بیکاری و فقر در حالی امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند که دامنه وسیعی از قشر جوان ما را در بر گرفته که در سایه آن ناهنجاری اجتماعی و شدیدتر از آن جرم به وقوع می‌پیوندد. (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۳)

امنیت اجتماعی مسئله رفاه اقتصادی، زندگی اجتماعی و تأمین اجتماعی را در بر می‌گیرد، به طوری که تأمین اجتماعی به عنوان وجه دیگری از تأمین امنیت برنامه‌ریزی می‌شود. منظور از تأمین اجتماعی پدید آوردن زمینه‌هایی است که برطرف کننده نیازهای مادی و معنوی

افراد باشد. یکی از پدیده‌های روانی شناخته شده ناامن ساز در جامعه، موضوع احساس فقر و نگرش جامعه به مقوله فقر است. به اعتقاد کارشناسان امنیتی، پدیده احساس فقر می‌تواند بیش از واقعیت فقر، امنیت روانی را مورد تهدید قرار دهد و این نگرش به خودی خود می‌تواند پایه‌های بی‌ثباتی را فراهم سازد. (ریعی، ۱۳۸۹: ۱۷۲) این نگرش‌ها در شرایط خاص اجتماعی تولید ناامنی خاص کرده و در پیوستن به جریانی ناامن ساز کمک خواهد کرد. نظریه پردازان انقلاب معتقدند برای پیدایش انقلاب در یک نظام اجتماعی در درجه اول، این عامل مهم است که نابرابری اجتماعی-اقتصادی وجود داشته باشد، اما مهم تر از آن احساس ذهنی اعضای جامعه از نابرابری است. (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۶۶-۶۵)

۵- محرومیت نسبی در استان کردستان

در این بخش از مقاله، نخست مختصر به بررسی آمار و میزان فقر در طی سه دهه گذشته براساس پژوهش‌ها، آمار و منابع موجود می‌پردازیم تا درکی از وضعیت فقر در کشور با محوریت استان کردستان داشته باشیم. سپس با دسته‌بندی تهدیدهای امنیت ملی کشور بر مبنای نقش فقر در شکل‌گیری یا تشدید آن تهدیدها، بر نقش فقر بر تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، با در کانون بحث قرار دادن استان کردستان تاکید می‌کنیم.

۵-۱ وضعیت فقر و محرومیت در استان کردستان

برای دست‌یابی به اطلاعات از وضعیت فقر در استان کردستان، علاوه بر اشاره به برخی آمارها می‌توان از پژوهش‌های منتشر شده در این حوزه و مصاحبه‌های نمایندگان استان کردستان که به بررسی وضعیت فقر در این استان پرداخته‌اند، استفاده کرد که به ترتیب گزارشی از یافته‌های آن پژوهش‌ها به دست خواهیم داد.

براساس یکی از پژوهش‌های انجام شده که هدف خود را برآورد حداقل معاش در مناطق شهری استان کردستان طی دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۷ تعریف کرده‌اند، یافته‌های پژوهش یادشده نشان می‌دهد که حداقل معاش برای یک خانوار شهری استان کردستان در سال ۱۳۷۵ معادل ۴۸۸۰۹۳۹ ریال یا ۹/۴۰۶۷۴۴ ریال در ماه بوده که این رقم در سال ۱۳۸۷ به ۳۹۵۵۵۰۹۵ ریال یعنی چیزی حدود ۳۲۹۶۲۵۸ ریال در ماه رسیده است؛ به گونه‌ای که نرخ رشد متوسط سالانه خط فقر در مناطق شهری استان طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۷ معادل ۱۹/۴۲ درصد بوده است. هم‌چنین در طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۷ به استثنای سال ۱۳۷۹ که گروه مسکن، سوخت و روشنایی بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده است، همواره گروه خوراکی‌ها دارای بیش‌ترین سهم در گروه بهداشت و درمان و دارای کم‌ترین سهم از حداقل معاش،

بوده است. (جواهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۳) وضعیت فقر و نابرابری در استان کردستان طی یک دهه گذشته تغییر و تحولات قابل توجهی را تجربه کرده است. مطابق داده‌های مرکز آمار ایران، ضریب جینی مناطق شهری از ۰/۳۶۸۴ در سال ۱۳۸۴ به ۰/۲۹۹۵ در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است. روند مشابهی در مناطق روستایی استان نیز ملاحظه می‌گردد به طوری که ضریب جینی طی مدت یادشده از ۰/۳۶۲۸ به ۰/۲۷۸۱ تنزل یافته است. (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۳۲)

استان کردستان یکی از استان‌های مرزی و کم تر برخوردار کشور با درآمد سرانه‌ای معادل ۴۹ درصد از متوسط درآمد سرانه کشور در سال ۱۳۹۰ و با جمعیتی بالغ بر یک و نیم میلیون نفر است که ۶۶ درصد از جمعیت آن در مناطق شهری و ۳۴ درصد دیگر نیز در مناطق روستایی ساکن هستند. بررسی اولیه داده‌های درآمد به هزینه بودجه خانوار در استان کردستان نشان می‌دهد که شکاف نابرابری میان مناطق شهری و روستایی از سال ۱۳۸۷ به تدریج افزایش یافته است. مخارج خانوارهای شهری در سال ۱۳۸۴ حدود ۱/۲۱ برابر خانوارهای روستایی بوده است. درحالی که این رقم در سال ۱۳۹۲ به حدود ۱/۲۳ برابر رسیده است. در آینده‌ای نزدیک باید شاهد تغییر نامطلوب توزیع جمعیت در استان به شکل مهاجرت به مناطق شهری و کاهش جمعیت در مناطق روستایی بود. با توجه به این که سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی استان حدود ۲۰ درصد می‌باشد. این موضوع به تشدید حاشیه نشینی در مناطق شهری و درنهایت تشدید نابرابری در استان منجر خواهد شد. هم چنین خالی شدن مناطق روستایی از سکنه با ملاحظه به این که استان کردستان از استان مرزی کشور می‌باشد مشکلات امنیتی ایجاد خواهد کرد. (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۳۳)

مطابق یکی از پژوهش‌های انجام گرفته که برای ارائه خط فقر در مناطق شهری استان کردستان با سنجش خط فقر مواد غذایی به منظور برآورد خط فقر مطلق غذایی با استفاده از الگوی انستیتوی تغذیه مناسب نسبت به محاسبه ارزش ریالی سبد غذایی تغذیه مناسب در طی سال‌های ۱۳۸۹-۹۲ انجام شده است: (بهرامی، ۱۳۹۷: ۳۰) خط فقر مطلق غذایی ماهانه سرانه به واسطه وجود تورم سالیانه دارای روند صعودی بوده و طی دوره مورد مطالعه، سالیانه به طور متوسط حدود ۶/۹ درصد رشد داشته است. به عبارت دیگر هزینه تامین سبد استاندارد غذایی مورد نظر انستیتوی تغذیه به منظور تامین کالری لازم (۲۳۰۰ کیلو کالری) در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۸۹ حدود ۳۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. در میان روش‌های مختلف ارائه شده برای محاسبه خط فقر مطلق کل، این روش‌ها خط فقر مطلق را دارای روند صعودی

نشان می‌دهند. براساس یافته‌ها خط فقر مطلق کل ماهیانه در سطح خانوار از ۳۵۴۱۱۵۰ ریال در سال ۱۳۸۹ به ۴۱۸۱۷۵۰ ریال در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته که معادل ۱۸/۱ درصد رشد داشته است. (بهرامی، ۱۳۹۷: ۳۱) پژوهشی با عنوان «گزارش اقتصادی استان کردستان» از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی منتشر شده است که با تمرکز به سال ۱۳۹۵ گزارشی از توزیع درآمد در خانوارهای شهری و روستایی استان ارائه کرده است. مطابق گزارش یادشده: در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به طور متوسط هر خانواده شهری در استان کردستان به ترتیب مبلغ ۲۰۳ و ۲۱۰ میلیون ریال هزینه کرده اند که رشد ۳/۳۹ درصدی داشته است؛ دهک‌های ۱۰، ۹ و ۸ بیش‌ترین سهم و دهک‌های ۱، ۲ و ۳ کم‌ترین سهم از کل متوسط هزینه خانوار را داشته‌اند. سهم بیست درصد فقیرترین خانوار شهری از کل هزینه سبد خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ نیز به ترتیب برابر ۴/۸۱ و ۵/۲۹ درصد بوده است که سهم پایینی است؛ در سال ۱۳۹۵ دهک دوم ۱۲/۵ برابر دهک اول و دو دهک بالا ۸/۵ برابر دو دهک پایین هزینه داشته‌اند. در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به طور متوسط هر خانواده روستایی در استان کردستان به ترتیب مبلغ ۱۴۵ و ۱۶۰ میلیون ریال هزینه کرده اند که رشد ۱۰/۴۴ درصدی داشته و رشد نسبتاً بالایی در مقایسه با رشد هزینه خانوار شهری بوده است. دهک‌های ۱۰، ۹ و ۸ بیش‌ترین سهم و دهک‌های ۱، ۲ و ۳ کم‌ترین سهم از کل متوسط هزینه خانوار روستایی را نیز داشته‌اند. بیش‌ترین رشد هزینه ناخالص خانوار روستایی در سال ۱۳۹۵ مربوط به دهک دهم بوده است که اختلاف بسیار زیادی با رشد دهک‌های دیگر دارد. (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۵: ۱۲۵) سهم بیست درصد فقیرترین دهک اول خانوار روستایی از کل هزینه سبد خانوارهای روستایی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب برابر ۴/۳۸ و ۴/۲۶ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۵ دهک دهم خانوار روستایی، ۲۱/۵ برابر دهک اول و دو دهک آخر ۱۱/۱ برابر دو دهک پایین هزینه نموده‌اند.

نگاهی به شاخص‌های اقتصادی استان کردستان و مقایسه آن با میانگین کشوری و حتی منطقه‌ای حکایت از اوضاع نابسامان اقتصادی این استان دارد. درحالی که استان، دو درصد از جمعیت کشور را دارد، کم‌تر از یک درصد از تولید ناخالص ملی را در اختیار دارد؛ درآمد سرانه کردستانی‌ها کم‌تر از نصف میانگین درآمد سرانه کشور است، آمار بیکاری استان ۱۳/۳ درصد است که پنجمین استان پرجمعیت بیکار کشور است و بیکاری جوانان رقم بالای ۲۵ درصد را دارد؛ شاخص توسعه انسانی استان نیز جزء توسعه نیافته‌ترین استان‌های کشور است. استان کردستان با نرخ ۱۳/۳ (بالا‌تر از میانگین کشوری ۱۲/۷ درصد) پنجمین

استان پرجمعیت بیکار در کشور است و یازدهمین استان کشور از نظر نرخ بیکاری است. نرخ کل بیکاری جوانان کردستانی وضعیت وخیم تری دارد و ۲۵ درصد می باشد. در بین شهرستان های استان، مریوان با ۴۰/۵ درصد (شهری ۴۶/۲ درصد، ۲۷/۹ درصد روستایی) و سنندج با ۳۱/۲ درصد (شهری ۳۴/۶ درصد و روستایی ۱۵/۷ درصد) بحرانی ترین وضعیت را دارند. این شاخص برای جوانان تحصیل کرده و با مدارک دانشگاهی ۱۴/۸ درصد می باشد که آمار بسیار ناخوشایندی است. این آمار و ارقام حکایت از وضعیت وخیم و بحرانی بیکاری جوانان خاصه در دو شهر سنندج و مریوان را دارد و باید اقدامات اساسی و عاجلی در این زمینه انجام گیرد تا از آسیب های اجتماعی زیادی هم چون بالا رفتن سن ازدواج، اعتیاد، تمایل به گروه های جدایی طلبانه و ... جلوگیری شود. (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۴)

۶- نتایج محرومیت نسبی در استان کردستان

محرومیت نسبی در استان کردستان بویژه در ابعاد اقتصادی (نابرابری درآمدی، بیکاری، درآمد سرانه پائین و ...) تاثیرات رفتاری و ذهنی را بر شهروندان کردستانی برجای گذاشته است که در اینجا مهم ترین آنها مورد بررسی قرار می گیرند:

۱- احساس بی عدالتی قومی

یکی از مهم ترین و اساسی ترین چالش های تشدید کننده محرومیت نسبی را می توان معضلات قومی ذکر کرد. این امر بویژه به واسطه سیاست های کلان است که سطح نارضایتی را افزایش داده و شکاف اقتصادی اجتماعی را تعمیق می بخشد. جان بردلی وضعیت قومی در ایران را اینگونه توصیف می کند. استراتژی توسعه مرکز محور ایران منتج به شکاف اقتصادی- اجتماعی گسترده میان مرکز و حاشیه شده است جایی که توزیع نابرابر قدرت، منابع اقتصادی- اجتماعی و موقعیت فرهنگی اجتماعی وجود دارد. همراه با این سرخوردگی های فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی، ناآرامی میان گروه های بزرگ قومی کشور نیز در حال افزایش است (Bradley, 2006: 181). این امر ناشی از تاثیر گذاری دو مولفه مهم است. از یک طرف حمایت کشورهای منطقه که همسویی زبانی- مذهبی با گروه های قومی ایران دارند و از طرف دیگر سیاست های نامناسب داخلی هردو در وقوع بیگانگی اقلیت های قومی ایران تاثیر گذارند. شکاف قومی میان مرکز و پیرامون و مسائل مربوط به محرومیت بتدریج روش های خشونت آمیز را در روابط دو طرف باز کرده است. از دید تئوری محرومیت نسبی گر، «تفاوت های منطقه ای در توسعه اقتصادی در میان ملت ها منجر به

خشونت سیاسی توسط مناطق کمتر توسعه یافته می‌شود. گر نشان می‌دهد که فقیرترین مناطق، سرکش‌ترین و اغتشاش‌گرترین مناطق می‌باشند». نمونه‌های این امر را در ایران می‌توان در خشونت‌های کردستان شاهد بود. علاوه بر این تقاضاهای قومی و سیاسی، این اقوام از آزادی برگزاری مراسم‌های مذهبی نیز محروم هستند و در موارد متعددی مساجد سنی‌ها در کشور تخریب شد. (Saleh, 2013:95)

داده‌های آماری رسمی نیز تایید کننده این وضعیت در استان کردستان می‌باشد. در حقیقت بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۱ نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق اقوام ایرانی بجز استان مذکور اعتقاد دارند که حکومت برای همه اقوام کشور ارزش و احترام یکسانی قائل است. میانگین موافقت با این گزاره نزدیک به ۷۰ درصد است. با اینحال استان کردستان در این نظرسنجی (بیش از ۵۰ درصد) به نابرابری و بی‌عدالتی قومیتی باور داشتند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۱ (ویرایش اول)، ۱۱۹). نزدیک به یک دهه بعد، سایر اقوام نیز به دیدگاه‌های مردم استان کردستان نزدیک شدند و بنظر می‌رسد احساس عدالت قومی با کاهش چشمگیری روبرو شده است. بدین ترتیب که نزدیک به ۳۵ درصد بر این باورند که «حکومت بین قومیت‌های مختلف تبعیض و فرق قائل نمیشود» و بیش از ۶۵ درصد به نابرابری قومی باور دارند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

یک عنصر تقویت کننده برای تبدیل محرومیت نسبی قومی به خشونت این است که نخبگان اقوام به بسیج گروه‌ها با هدف ایجاد یک حس جمعی انسجام و وحدت دست بزنند. این امر تاکنون در میان اقوام مختلف ایرانی اتفاق نیفتاده است. اما اعتصاب عمومی در کردستان و تعطیلی بازار در شهرهای مختلف یک استثنا بوده است که بیش از پیش فرضیه‌های این مقاله را اثبات می‌کند. در این رابطه شهرهای سنندج، بانه، مریوان و کامیاران در استان کردستان، از جمله شهرهایی بودند که در آنها اعتصاب عمومی شده بود. در حقیقت دشمنی و نفرت اغلب توسط نخبگان قومی برای استفاده از خشونت علیه دیگران استفاده می‌شود. قادرزاده و محمدزاده نشان داده اند که میانگین الگوپذیری از نخبگان قومی در استان کردستان معادل ۶۴٫۵۳ است. این نسبت وقتی با میزان همبستگی قومی در استان مذکور (۷۴٫۳۴) و روابط درون قومی (۵۸٫۷۹) و همچنین رسانه‌های قومی (۴۶٫۸۵) درصد همراه می‌شود نگران کننده است. بدین ترتیب درحالی‌که شاخصه‌های مذکور در میان کردهای شیعه به مراتب پائین تر است داده‌ها نشان می‌دهد که نوع قومی‌گرایی در میان

کردهای سنی کردستان، آشکارا خصلتی سیاسی دارد و یکی از مهمترین مطالبات جنبش ناسیونالیسم قومی را در کردستان عیان می‌کند. مضافاً اینکه با افزایش الگوپذیری از نخبگان قومی - که از طریق تفسیر فشارهای ساختاری و تبدیل آن به باورهای تعمیم یافته و پیوند دادن نابرابری‌های اجتماعی موجود، با زمینه‌های فرهنگی در سیاسی شدن قومیت سهیم هستند - هویت طلبی قومی تشدید شده است. همچنین با افزایش ارتباطات در مقیاس درون قومی و بین قومی بر شدت هویت طلبی قومی در این استان افزوده شده است. این مسئله رویکرد نظری والکر کانر را تصدیق می‌کند که براساس آن، ارتباطات درون قومی و میان قومی هردو نقش مهمی در خلق آگاهی قومی ایفا می‌کنند. ارتباطات درون قومی در تقویت انسجام اجتماعی درون قومی تاثیر دارند؛ به طوری که با افزایش ارتباطات بین قومی، امکان مقایسه اجتماعی و اقتصادی برای افراد مهیا می‌شود. در صورت وجود شکاف در میزان برخورداری مناطق، احساس تبعیض، تثویت و به نوعی هویت طلبی قومی برجسته می‌شود (قادرزاده و محمدزاده، ۱۳۹۷: ۳۹-۳۴).

در همین این رابطه «گر» مدعی است که تنش قومی زمانی اتفاق می‌افتد که یک گروه قومی خود را محروم تصور کند و گرفتن امتیازات جمعی از دولت را هدف قرار دهد. از دید او توالی علی در خشونت سیاسی ابتدا توسعه نارضایتی، سپس سیاسی کردن آن و در نهایت عملی کردن کنش خشونت آمیز در مقابل بازیگران و اهداف بالقوه می‌باشد (Sanasarian, 2000: 14). به نظر می‌رسد پائین آمدن انتظارات ارزشی گروه‌های ناراضی در ایران (از جمله در استان کردستان) به افول توانایی آنها انجامیده و نارضایتی حاصل به نوبه خود آن را به سمت پذیرش روش‌های اعتراضی همچون خشونت و اعتراضات خیابانی سوق داده است. در این میان ظهور ایدئولوژی‌های جدید که پیامد تشدید محرومیت نسبی می‌باشند، می‌تواند خشونت موجود را افزایش دهد. به عبارت دقیق تر نظام‌های عقیدتی موجود در جامعه کنونی ایران نشان دادند که در دستیابی به مقاصد (پول، منزلت، مشارکت سیاسی، قدرت و ..) ناکارآمد هستند و به همین دلیل جامعه ناراضی مستعد پذیرش عقاید جدیدی است که توجیه کننده کنش‌های متفاوتی از جمله خشونت است (Smelser, 1963: 82). با اینحال وجود نارضایتی شدید یا ایدئولوژی‌های جدید برای دستیابی به خشونت (مانند آنچه در اعتراضات دی ۱۳۹۶ مشاهده شد) کافی نبوده بلکه دلیل این کنش پرخاشگرانه، این است که مردم منبع سرخوردگی را در سیاست‌های کلان جستجو می‌کنند.

البته این داده‌ها به معنای رویکرد و نگرش جدایی طلبی و یا بیگانگی با ارزش‌های سیاسی حاکم در میان شهروندان کردستانی نیست. آمارهای رسمی نشان می‌دهد در بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، در مقابل این گزاره که «حکومت برای رای و نظر مردم اهمیت قائل است» این استان سنی نشین، با ۴۲ درصد موافقت با این گزاره، در بین ۳۰ استان کشور رتبه ششم را دارد. این نسبت زمانی اهمیت می‌یابد که در مقابل استانهای فاقد هویت قومی مشخص همچون تهران (۳۴ درصد)، سمنان (۳۷)، خراسان رضوی (۳۶)، قم (۴۰،۱)، گلستان (۲۹،۸) قرار داده شود (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۹۴: ۳۲۹). این داده‌ها در مورد رضایت از اوضاع سیاسی و اقتصادی نیز صادق است. میزان رضایت از اوضاع سیاسی کمتر از ۱۳ درصد رضایت کمی از شرایط موجود داشته‌اند. به عبارت دیگر بیش از ۸۵ درصد یا کاملاً راضی بودند و یا تاحدودی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۹۴: ۱۴۵). قادرزاده و قادرزاده در تحقیق میدانی خود نشان داده‌اند که تعلق به هویت ملی در میان شهروندان کردستانی بالاست اگرچه در میان شاخصه‌های گوناگون مورد بررسی آنها، احساس افتخار و تعلق خاطر بیشتری نسبت به برخی از شناسه‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی نظیر، مفاخر ادبی و فرهنگی مشهود بوده است. در هر صورت پاسخگویان، ایرانی بودن را برای خود یک افتخار می‌دانند و نسبت به سرنوشت کشور خود احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و حتی هویت‌های جمعی عام نظیر هویت ملی در میان ساکنان سنندج رشد بیشتری داشته است (قادرزاده و قادرزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۳). همچنین عبدالله در تحقیق خود نشان داده است که ۵۵،۲ درصد دانشجویان کردستانی هنگام مقایسه تمدن کشورمان با کشورهای همسایه احساس قوی درباره ایرانی بودن خود داشته‌اند (عبدالله، ۱۳۹۵: ۵۷). همچنین ۹۳ درصد آنها در هنگام «طرح تهدید علیه کشور» احساس نزدیکی بیشتری به مردم ایران داشته‌اند. بررسی ارزش‌های و نگرش‌های ایرانیان در سال ۹۴ نیز نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد مردم استان کردستان اعتقاد دارند «در صورتی که جنگ ناخواسته‌ای بر کشور تحمیل شود و دولت از افراد بخواهد که داوطلبانه به جبهه بروند» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۹۴: ۴۷۵). مردم حاضرند به دفاع از نظام سیاسی بپردازند. بنابراین میزان وفاداری مردم از دید شهروندان این استان بالاست.

۶-۲ کاهش مشارکت سیاسی

از جمله واکنش‌ها به محرومیت نسبی را می‌توان در کاهش مشارکت سیاسی مشاهده کرد. این کاهش نرخ شرکت کنندگان در انتخابات و اعلام یا اقدام فراگیر و غیرمتعارف مبنی بر عدم مشارکت-مانند تحریم انتخابات-می‌تواند علامت منفی برای مشروعیت و نفوذ حاکمیت تلقی شود (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۱۹۸-۱۹۷). نتایج پژوهش میدانی «بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴-۱۳۷۶» که از بین ۳۳۲ نفر از دانشجویان و اساتید دانشگاه استان کردستان پرسش شد نشان می‌دهد ضریب مشارکت در استان کردستان به صورت معنی داری از سطح کشور فاصله دارد و به طور میانگین ۲۸ درصد پائین تر از ضریب مشارکت ملی است. طبق این پژوهش مشارکت انتخاباتی یکی از حلقه‌های پیوند قومیت‌ها و حکومت هاست که رسانه‌ها، حقوق شهروندی، تحولات سیاسی، تغییر و تحولات کردستان و مولفه‌های اقتصادی از عوامل سیر نزولی مشارکت در انتخابات‌های گوناگون بوده است (نصری و مرسلی، ۱۳۹۸: ۹۳). تحولات تاریخی نشان می‌دهد که در سالهای پایانی دهه ۶۰ و ۷۰ و فروکش کردن دامنه درگیری‌های نظامی در منطقه و اجرای برنامه‌های پس ساله توسعه مردم کردستان امیدوار به افزایش سهم خود در ساختار قدرت، افزایش سرمایه گذاری اقتصادی دولت بودند اما با شکست این انتظارات و گذشت ۴ سال از ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، شهروندان این استان به خواسته‌های خود نرسیدند. به همین دلیل در دوره دوم، کردستان تنها استانی بود که به هاشمی رفسنجانی «نه» گفته و به رقیب او احمد توکلی بالاترین رای را داده بود. سهم کردها بویژه استان کردستان در تحولات خرداد ۷۶ نیز برجسته بود و حدود ۸۵ درصد واجدین شرایط در این منطقه شرکت کردند. ناامیدی مجدد از دستیابی به خواسته‌های خود باعث شد تا در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری تنها ۴۵,۷۹ درصد از واجدین شرایط شرکت کنند. در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی نیز مشارکت کشوری ۶۷,۳۵ بوده که سهم استان کردستان ۷۰,۱۸ درصد بوده است. اما در انتخابات دوره هفتم، سهم استان کردستان ۳۲,۶ درصد بوده است. همانگونه که مشاهده می‌شود کاهش معناداری در پی ناامیدی مردم از دستیابی به خواسته خود در استان مذکور رخ داده است. بررسی اجمالی روند مشارکت مردم کردستان در انتخابات ریاست جمهوری برای انتخاب مدیر ارشد اجرایی کشور نشان دهنده روندی افزایشی و رو به رشد است که در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری به اوج رسید ولی پس از چهار سال این روند افزایشی سیر نزولی را آغاز کرد. نتایج مذکور نشانگر این واقعیت است که دولت‌های برخاسته از انتخابات هفتم و هشتم نتوانسته است

پاسخ مناسبی به این خواسته‌ها ارائه کنند. با توجه به آمار جدول فوق شاهد کاهش ۲۵,۵ درصدی مشارکت مردم استان از انتخابات هفتم تا هشتم می‌باشیم. سیر نزولی مشارکت استمرار یافت و در مرحله نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری این کاهش از انتخابات هفتم تا نهم به مرز ۴۱,۶۷ رسید (غفاری و زرین کاویانی، ۱۳۹۰: ۱۰۵-۹۹).

نتیجه گیری

مطالعات امنیتی نشان می‌دهد که برخلاف رویکردهای سنتی که اولویت را به تهدیدهای نظامی می‌دادند در مطالعات جدید پس از جنگ سرد، خاستگاه درونی تهدیدها مورد توجه بیش تر قرار گرفته و تهدیدهای نظامی در انتهای لیست تهدیدهای امنیت ملی قرار می‌گیرد. براساس موارد بررسی شده، مسائل اقتصادی با محوریت «فقر» و ذیل آن تورم بالا، بیکاری و بیش تر شدن شکاف طبقاتی در هر جامعه‌ای شرایط بروز، شکل‌گیری و تشدید بحران‌های اجتماعی را آماده و به تبع آن، بحران‌های یادشده به تهدیدهای امنیتی تبدیل می‌شوند. این تهدیدهای جدید در حوزه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند. براساس پژوهش‌های موجود و مطابق آمار بررسی شده درباره وضعیت فقر در ایران، در چند دهه گذشته با بالا رفتن آمار فقر در کشور مواجه هستیم. از این رو در دهه گذشته آمار فقر به شدت افزایش یافته است و در استان‌های مرزی که مورد مطالعه ما در این پژوهش استان کردستان بود، آمار فقر نسبت به سطح کشور در وضع بدتری قرار دارد. بر همین اساس، مطابق دسته بندی که از تهدیدهای امنیت ملی ارائه شد، تهدید اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی و نظامی-اطلاعاتی به ترتیب تهدیدهایی هستند که به واسطه فقر در کشور می‌توانند تهدیدهای امنیت ملی محسوب شوند. از همین رو، توسعه و امنیت دارای رابطه‌ای متقابل می‌باشند. از یک سو هر جا که امنیت باشد، توسعه پایدار می‌شود و فراهم آمدن امنیت ملی، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی می‌باشد؛ از سوی دیگر هر جا که توسعه باشد، امنیت وجود دارد. توسعه و حرکت به سوی آن، به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه، امنیت ملی در کشور می‌انجامد. زمانی که در یک جامعه امنیت نباشد، امکان سرمایه گذاری وجود نخواهد داشت و کاهش سرمایه گذاری موجب تعمیق عقب ماندگی خواهد شد. وجود بی عدالتی‌های جغرافیایی و قومی و توسعه نامتوازن بخش‌های جغرافیایی کشور موجب آسیب همبستگی و وحدت ملی شده و منجر به بروز تحرکات واگرایانه به ویژه در مناطق قومی شده است. برخی از مشکلات فرهنگی همراه ساختار اجتماعی منطقه-اقتصاد عقب مانده، و استفاده ناقص از ظرفیت‌های موجود استان کردستان از تنگناهای موجود در

پیش روی این استان است. به هر روی مسائل اساسی و اصلی در تهدیدخیز بودن این استان نسبت به امنیت ملی، با توجه به مباحث فقر و آمارهای موجود در رابطه با این استان که پیش تر مورد اشاره قرار گرفت نشان گر این نکته است که استان کردستان بالاترین آمار فقر و بیکاری در کشور را داراست. از سویی دیگر توسعه نیافتگی این استان موجب تهدیدهایی هم چون پدیده قاچاق مواد مخدر، شرارت، شکل گیری یا نفوذ گروه های تروریستی و بعضاً تنش های قومی و مذهبی می شود. براساس توضیحات ارائه شده چنانچه متغیر فقر را برای رفع آن برنامه ریزی و سیاست گذاری کنند، با چند شاخص و بهبود آن شاخص یا فراهم نمودن حداقلی آن ها توسط دولت ها، می توان گفت که سطح فقر کاهش یافته و ضریب امنیت ملی افزایش می یابد.

منابع و مآخذ:

- آزر، ادوارد ای. و چونگ این مون، ۱۳۷۹، **امنیت ملی در جهان سوم**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ارجمند، محمدجعفر جواد، سید محسن توکلیان، ناهید قمریان نصر آبادی، ۱۳۹۳، بررسی نقش هویت قومی بر امنیت پایدار: مطالعه موردی منطقه کردستان ایران (قومیت کرد)، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۲۱
- اسلامی، سیف الله، ۱۳۹۳، اندازه گیری شاخص رفاه اجتماعی طی چهار دهه گذشته در مناطق شهری کشور، **مجله اقتصادی**، ش ۶۵
- بختیاری، حسین، علی صالح نیا، ۱۳۹۷، اولویت بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۴۷
- بهرامی، رحمت الله، ۱۳۹۷، تحلیلی بر فقر شهری در شهرهای استان کردستان، **دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های بوم شناسی شهری**، ۹، ش ۱، پیاپی ۱۷
- پورخسروانی، اتیس، ۱۳۸۲، **مجموعه مقالات همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا**، دانشگاه بیرجند
- جواهری، بختیاری، بهرام سجایی، عابدین قاسمی و محمد هادی حاجیان، ۱۳۹۱، برآورد حداقل معاش در مناطق شهری استان کردستان، **فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی**، ش ۱۲، ۴۵
- خسروی نژاد، علی اکبر، ۱۳۹۱، برآورد فقر و شاخص های فقر در مناطق شهری و روستایی، **فصلنامه مدل سازی اقتصادی**، سال ۶، ش ۲، پیاپی ۱۸
- ربیعی، علی، ۱۳۸۹، شکاف درآمدی، دغدغه ی امنیتی کشورهای در حال گذار، مطالعه موردی ایران، **فصلنامه راهبرد**، ش ۵۷
- رضایان قیه باشی، احد، علی اصغر پور عزت و محمدرضا حافظ نیا، ۱۳۹۶، آینده پژوهی تهدیدهای نظامی-امنیتی ناشی از تغییر اقلیم در ایران، با استفاده از روش چرخ آینده، **آینده پژوهی دفاعی**، ش ۲، ۴
- رفعتی حمیدرضا، محمد حسین صنیعی، ۱۳۹۶، برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار نقش آن در ارتقای امنیت ملی، **فصلنامه امنیت ملی**، ش ۷، ۲۵
- شاطریان، محسن، امیر اشنویی و محمود گنجی پور، ۱۳۹۳، تحلیل راهبردی مناطق مرزی، مطالعه ی موردی: شهرهای مرزی استان کردستان، **فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری**، ش ۱۱
- شهبازی، نجفعلی، بهروز صادقی عمرو آبادی و سید علیرضا عزیز موسوی، ۱۳۹۰، بررسی عوامل اقتصادی موثر بر امنیت اجتماعی، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال ۴، ش ۱۲
- صالحی امیری، رضا، ۱۳۸۵، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۵)، «بررسی میزان توجه به مؤلفه های
- هویت قومی و ملی بین دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه های تهران»، **فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست**، سال چهارم، شماره ۱۶، (شماره پیاپی ۴۶)، صفحات ۶۵-۳۹.
- فرجی راد، عبدالرضا، ۱۳۸۲، فقر اقتصادی امنیت ملی را آشفته می کند، **روند اقتصادی**، ش ۵
- قادرزاده، امید، قادرزاده، (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر ترجیحات هویتی در مناطق گردنشین» **مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**، بهار و تابستان، صفحات ۱۳۳-۱۰۳.
- کهنه پوشی، سید هادی، حمید جلیلیان، ۱۳۹۲، تاثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی، مورد بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان، **فصلنامه جغرافیا و توسعه**، ش ۳۲
- کهنه پوشی، حمید شایان، ۱۳۹۲، بررسی تاثیرات اقتصادی قاچاق کالا بر شهرهای مرزی مطالعه موردی، شهر مریوان، **نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، س ۱۳، ش ۲۹
- کریمی مله، علی، ۱۳۹۱، تاملی نظری در نسبت حکم رانی خوب و امنیت ملی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ش ۵۸
- کاوایانی راد، مراد، ۱۳۸۹، تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران های بوم شناسی در ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال سیزدهم، شماره ی دوم
- کلاتری، صمد، رسول ربانی و کامران صداقت، ۱۳۸۴، ارتباط فقر با قانون گریزی و شکل گیری آسیب اجتماعی، **رفاه اجتماعی**، ش ۱۸
- گر، تدرابرت، ۱۳۸۸، **چرا انسان ها شورش می کنند؟**، ترجمه علی مرشدی زاد، ج ۳، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، **دنیای فن آوری اطلاعات و ارتباطات گمرک ایران**
- گزارش اقتصادی استان کردستان، ۱۳۹۵، **وزارت امور اقتصادی و دارایی**
- ماندل، رابرت، ۱۳۸۷، **چهره ی متغیر امنیت ملی**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مولایی، محمد، زهره رحمی راد، اندازه گیری و مقایسه ی حداقل معیشت خانوارهای شهری و روستایی ایران طی سال های ۱۳۹۲-۱۳۶۸، **تحقیقات اقتصادی**، دوره ی ۵۳، ش ۱
- مستودی، عباس، محمد میرزایی، بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در استان های مرزی (مورد مطالعه: استان کردستان)، **پژوهش نامه مطالعات مرزی**، سال دوم، ش ۱
- نساج، حمید، ۱۳۸۸، جهانی شدن و هویت اقوام ایرانی با تاکید بر مولفه های زبان و آداب و رسوم، **فصلنامه تخصصی پژوهش در سیاست نظری**، دوره ی جدید، ش ۵
- Atwood, J. Brian, 2003, **The Link Between Poverty and Violent Conflict**, New England Journal of Public Policy: Vol. 19
- Ashraf, M. A. 2004, **True Islamic Teachings Compared to Al-Qaeda's Doctrine**, The Review of Religions, Vol. 99 NP.